

## جوان در آموزه های قرآنی

میهان / ۲۴ تیر ۸۶

صادق کریمی

اینکه جوان در سیر حرکت تکاملی خود دارای چه ویژگیهایی است لازمه هر نوع تعامل و ارتباط دوسویه با جوانان است که در مقام تبیین این مسئله نویسنده مقاله حاضر ویژگیهای دوران جوانی را برشمرده و آنها را براساس آموزه های قرآنی مورد ارزیابی قرار می دهد اینک با هم آن را از نظر می گذرانیم.

### جوانی دوران کمال

قرآن برای دوره جوانی که بخش از مراحل زندگی بشر است، ویژگی هائی برشمرده است که دانستن آن می تواند برای کسانی که در این مرحله زندگی می کنند و یا با جوان و جوانان سروکار دارند مفید باشد. در شعر پارسی و فرهنگ ایرانی اسلامی بر این نکته تاکید شده است که چون سر و کارت با کودک افتاد، با او کودکی کن. به این معنا که نمی توان از کودک انتظار رفتاری مطابق سن خودمان داشته باشیم، بلکه می بایست با توجه به روحیات مخاطب عمل کرد.

جوانی سنی است که انسان از مرحله کودکی و بلوغ گذشته است و به سوی رشد و کمال فکری می رود. در این دوره برخی علائم در انسان ظاهر می شود که یکی از آن ها رشد دندان عقل است. به عنوان نشانه ای از بلوغ عقلی، چنان که بلوغ جنسی اولین نشانه ورود به سن نوجوانی و جوانی است. با علامت دندان عقل، آدمی درمی یابد که در آغاز عقلانیت قرار گرفته است و مسیر رشد را طی می کند. انسان رشید به کسی می گویند که این فرآیند را در صحت و سلامت جسم و جان طی می کند و به بلوغ عقلی می رسد که کمال آن در قرآن سن چهل سالگی است. در چهل سالگی است که جوانی به یک معنا تمام می شود و میان سالی آغاز می گردد.

خصوصیاتی که قرآن برای دوره جوانی بیان می کند نشان می دهد که در این دوره برخی از خصوصیات آدمی به کمال خود می رسد. این خصوصیات در دو جنبه جسمی و روانی است. به یک معنا انسان در این دوره از جهت جسم کامل می شود و آن چه شایسته قوا و نیروهای غریزی و جسمی است به بلوغ و نهایت کمال خود می رسند. چنان که برخی از حالات روانی و عاطفی نیز در این دوره تشدید شده و کامل می گردد.

قرآن بیان می‌دارد که انسان در این دوره به نهایت قدرت جسمانی و توانایی بدنی می‌رسد که از آن به اشد یعنی توان و شدت تعبیر می‌شود. (کهف آیه و نیز حج آیه ۵ و قصص آیه ۱۴ و ۱۵ و نیز غافر آیه ۶۷) تعبیر استوا به معنای اعتدال در جنبه بدنی و رشد، بیانگر آن است که این بخش از قوای انسانی به کمال خود دست یافته است.

### زیبایی طلبی در جوانان

در دوره جوانی امور عاطفی در شخص تقویت می‌شود و به نهایت می‌رسد، از این روست که قرآن به مسئله زیبایی طلبی جوانان اشاره می‌کند و این که جوان در این دوره به خاطر مسائل عاطفی و روانی می‌کوشد خود را در لباس و جمال بیاراید، بنابراین توجه فطری و غریزی به خودآرایی. در جوانان امری عادی تلقی شده است و قرآن در آیه ۲۰ سوره حدید به این مسئله اشاره می‌کند.

در قرآن از دوره جوانی به دوره گیاهان تمثیل شده که چگونه در گیاهان دوزه ای است که بهجت و رنگ های شاد در آن نمایان می‌شود و پس از آن اندک اندک به زردی می‌گراید و از زیبایی می‌افتد. جوانی دوره ای است که از این نظر انسان به کمال می‌رسد و رنگ و چهره اش شاد و شاداب و باطراوت است.

### خصوصیات جوانان

از خصوصاتی که قرآن برای جوانان بیان می‌کند، تهور، شجاعت و زیر پا گذاشتن مصلحت سنجی هاست. در این دوره جوان به چیزی که نمی‌اندیشد، مصلحت هاست و از این رو بی‌محابا جانش را در خطر می‌افکند. شور و شادابی و گرایش فطری و غریزی به احساس و عواطف، وی را به سوی تهور و شجاعت پیش می‌برد. این گونه است که محافظه کاری را کناری می‌نهد و با فرمان عشق و احساس، حرکت می‌کند و عقل را به هیچ می‌گیرد؛ زیرا در این دوره که آغازین سال های رشد عقل و عقل گرایی است، عاطفه و احساس به اوج خود و به کمال لایق خود رسیده است. از این رو هیچ توجه و نظری به عقل چنان که باید و شاید ندارد. تصمیمات همه بر پایه احساس و شور و عاطفه است. (یونس آیه ۸۳ و کهف آیه ۱۰ و ۱۶ و قصص آیه ۱۴ و ۱۵) در همه این آیات به جوانانی اشاره می‌شود که برخلاف مصلحت سنجی های معمول عمل می‌کردند. سخن از اصحاب کهف است که جوانان شجاعی بودند که وقتی به حقانیتی دست یافتند آن را آشکارا و بی‌محابا بدون هیچ مصلحت سنجی بیان

کردند و سر در این راه نهادند و یا سخن از ابراهیمی است که به شناخت دست یافته است و بی محابا به جان بتان بی جان می افتد و آتش نمرودیان را به جان می خورد.

البته این بدان معنا نیست که جوان همواره در خطا و تحت تاثیر عاطفه عمل می کند؛ زیرا جوانی زمان رشد عقلانی نیز است و سخن از جوانانی است که در سال های میانی سی و چهل است. در این دوره جوانی نوعی هماهنگی میان عقل و عاطفه برقرار می شود و احساس و عقل و نیز جسم و جان به اعتدال دست می یابند این گونه است که اینان به عنوان رهبران عمل می کنند. قدرت، شجاعت، عقل و احساس به وی کمک می کند تا بتواند به خواسته های خود به آسانی دست یابد.

اگر قرآن جوان و جوانی را به لهوگرایی و سرگرمی ها و بازی های بیهوده متهم می سازد، نه از باب سرزنش است بلکه از آن روست که این دوره اقتضائاتی دارد که می بایست طی شود. بلوغ جنسی و یا بهره مندی از سرگرمی ها، توان و قدرت فوق العاده جوان و جوانی را نشان می دهد.

هر عنصر و قوه ای در انسان می بایست در یک فرآیند و در زمانی به بلوغ برسد تا انسان از آن برای رشد و بالندگی کمالی خود بهره برد. در این دوره این قوا به کمال می رسد ولی از آن جایی که جوان برنامه ای عقلانی در آغاز قدرت گیری ندارد آن را صرف کارهای بیهوده می کند. از این رو لازم است که در آغاز راه وی را یاری رساند و برنامه ای متناسب و متنوع با دوره جوانی برای او فراهم آورد. در گذشته به جوانان فنون رزمی و یا جنگی می آموختند تا قدرت خود را در راه درست و صحیح که در آینده برای حفظ جان خود و خانواده و کشور مفید است، به کار گیرد. اکنون نیز چنین چیزی نیاز است. این هم نیازمند برنامه است. به هر حال آغازین روزهای جوانی تا چند سال نخست آن، روزهای سرگرمی و بیهودگی جوانان است مگر آن که ساماندهی و هدایت شود. (حدید آیه ۲۰)

از دیدگاه قرآن دوره جوانی که از بیست تا چهل سالگی طول می کشد، دوران قدرت، زیبایی، شجاعت، تهور و بی باکی انسان است. در این دوره است که جسم و جان آدمی به کمال می رسد و عقل و خردش به نهایت خود دست می یابد. (حج آیه ۵) پایان این دوره نقطه آغازین منحنی نزول انسانی است (همان و غافر آیه ۶۷)

قرآن با اشاره به زندگی جوانانی چون حضرت ابراهیم(ع) (انبیاء آیه ۶۰) اسماعیل (صافات آیه ۱۰۱ و ۱۰۲)

مجموعه

اصحاب کهف (کهف آیه ۱۳) موسی (قصص آیه ۱۴) مریم (آل عمران آیه ۳۷) و یوسف (یوسف آیه ۲۳ تا ۳۲)

نمونه هایی از جوانان و جوانی و شیوه جوانی کردن را به انسان می آموزد که می توان با الگوبرداری از آنان جوانی

را بر پایه آموزه های قرآنی و کمالی آن به سر آورد.